

# افقهای گزارشگری مالی

## بخش اول

### دیدگاه تهیهکننده

مرتضی اسدی  
غلامرضا زارعی  
میثا فرنود احمدی



## پیشگفتار

در سال ۲۰۲۴، نهاد حرفه‌ای CPA Australia گزارش پژوهشی خود با عنوان Horizons of Financial Reporting – Part 1,2 را منتشر کرد.

هدف از ترجمه گزارش مذکور، آشنا ساختن اعضای فرهیخته و حرفه‌ای جامعه حسابداری کشور با یکی از تازه‌ترین فعالیتها و مطالعات بین‌المللی در حوزه افقهای نوین گزارشگری مالی، به‌ویژه در ارتباط با گزارشگری پایداری و روند تحولات در زمینه داراییهای نامشهود است.

بدیهی است که موضوعهای مرتبط با گزارشگری اقلیمی، هنوز مفاهیمی نو و در حال توسعه محسوب می‌شوند و بخشی از اصطلاحهای آن در فضای حرفه‌ای ما هنوز بومی‌سازی نشده‌اند. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور نیز ممکن است تاکنون تمرکز کافی بر این جنبه از گزارشگری مالی نداشته باشند؛ با این حال، این امر از اهمیت آگاهی و شناخت نسبت به این حوزه نکاسته و به‌زودی شاهد گسترش مباحث آن در فضای مالی، حسابداری و کسب‌وکار خواهیم بود؛ همان‌گونه که فناوریهای نوین در سالهای اخیر تحولات چشم‌گیری در حرفه ایجاد و شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود به خصوص در شرکت‌های دانش‌بنیان را با چالش جدی روبه‌رو کرده است.

با تغییر تدریجی اولویتها و نگرش جامعه، چه بخواهیم چه نه، گزارشگری اقلیمی به یک مطالبه فزاینده تبدیل خواهد شد. افزون‌براین، جهت‌گیری قوانین به سمت حمایت از محیط‌زیست و الزام به شفاف‌سازی آثار مالی فعالیت‌های اقلیمی و تمایل روزافزون به اقتصاد دیجیتال سبب خواهد شد تا این دو موضوع به بخش‌های چالشی و البته جدایی‌ناپذیر گزارشگری مالی تبدیل شوند.

تلاش ما در این ترجمه، گامی است در مسیر آگاهی‌بخشی نسبت به تحولات حرفه‌ای در سطح بین‌المللی، با این حال، بر این باوریم که مطالعه مستقیم منابع اصلی، در درک عمیق‌تر مفاهیم و ارتقای دانش حرفه‌ای تاثیرگذارتر خواهد بود.

امید است روزی جامعه حسابداری ایران، با اتکا به توانمندیهای فنی و بهره‌گیری هرچه بیشتر از دانش زبان انگلیسی، حضور پررنگ‌تری در عرصه‌های بین‌المللی داشته باشد؛ چرا که به‌روشنی، ظرفیتهای علمی و حرفه‌ای ما شایسته چنین جایگاهی است، گرچه تشریح این شایستگیها مجال گسترده‌تری می‌طلبد.

## خلاصه اجرایی

در پاسخ به افزایش تقاضا برای اطلاعات توسط فعالان بازار سرمایه (IFAC, 2022)، یک حرکت جهانی برای بهبود الزامهای گزارشگری مالی پیرامون موارد مربوط به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از قبیل پایداری و داراییهای نامشهود وجود دارد.

همانطور که سیاستگذاران این افقهای گزارشگری را بررسی می‌کنند، چالشی که با آن روبه‌رو هستیم ارتقای ویژگی مربوط بودن بدون از دست دادن مزیت رقابتی منحصر به فرد گزارشگری مالی تنظیم‌شده به‌عنوان معتبرترین منبع اطلاعاتی در بازار است (داورن و همکاران، ۲۰۱۸، 2019a).

هدف از این مطالعه پرداختن به این چالش و ترسیم مسیری برای گزارشگری مالی بهبود یافته است که بتواند نیازهای

اطلاعاتی در حال تحول فعالان بازار سرمایه را برآورده کند و اطمینان حاصل شود که گزارشگری مالی، مربوط و قابل اتکا باقی می‌ماند.

با استفاده از گروه‌های متمرکز و مصاحبه با سهامداران، «هرم گزارشگری» را از شناخت و اندازه‌گیری کامل تا افشای اجباری و داوطلبانه بررسی می‌کنیم. ما چالش‌های گزارشگری مالی را در دو حوزه موضوعی بررسی می‌کنیم: **پایداری و داراییهای نامشهود** (ما همچنین اطلاعات مربوط به ریسک/آینده‌نگری را نیز در نظر گرفتیم اما پس از آن این موضوع به‌عنوان بخشی از در گزارشگری مالی بهبود یافته در مورد پایداری و داراییهای نامشهود در نظر گرفته شد).

یافته‌های ما تفاوت‌های ظرفی در مسایل عدم قطعیت اندازه‌گیری و اعتبار گزارشگری مالی را برجسته می‌کند. ما

شواهدی داریم که شناخت و اندازه‌گیری، بررسی دقیق روی کیفیت داده‌های اساسی را که ورودی گزارشگری مالی هستند، افزایش می‌دهد. این شواهد انگیزه‌ای قوی برای افزایش نیازهای شناخت و اندازه‌گیری به‌جای گسترش الزامهای افشا، فراهم می‌کند.

در مورد گزارشگری مربوط به پایداری زیست‌محیطی و انتشارکربن، متوجه می‌شویم که عدم قطعیت اندازه‌گیری بیشتر توسط عدم قطعیت نظارتی هدایت می‌شود. چنین عدم قطعیتی ارزیابی آثار مالی را چالش‌برانگیز می‌کند. در مقابل، ویژگی‌های فیزیکی (به‌عنوان مثال، جداسازی کربن<sup>۱</sup> یا انتشار کربن) را می‌توان با دقت به‌نسبت بالایی اندازه‌گیری کرد.

علاوه بر حمایت از شناخت و اندازه‌گیری بیشتر، شواهدی پیدا می‌کنیم که نشان می‌دهد شناخت، در جایی که اعداد اندازه‌گیری مبتنی بر قضاوت و برآوردهای ذهنی<sup>۲</sup> است، برای سرمایه‌گذاران حاوی اطلاعات مفیدی است. این شواهد به‌وضوح اطلاعات گزارش‌شده بستگی دارد - چه عینیت و قابلیت تایید کمتری داشته باشند چه عینیت و قابلیت تایید بیشتری داشته باشند یا عینی باشد.

این امر، پیامدهایی برای دامنه قضاوت تهیه‌کنندگان گزارشگری مالی و افزایش نیاز به اطمینان‌بخشی متخصص مربوط دارد. همچنین بر نقش اصول در مقابل قواعد محدود در تنظیم گزارشگری مالی تاکید می‌کند و در عین حال اطمینان می‌دهد که قابلیت مقایسه و یکنواختی، بی‌خود به‌خطر نمی‌افتد.

به‌طور خلاصه، ما آینده روشنی را برای گزارشگری مالی در مورد طیف گسترده‌تری از اقلام نسبت به گذشته می‌بینیم. در مسیر ما، عدم قطعیت اندازه‌گیری به‌عنوان یک مانع چالش‌برانگیز برای گزارشگری مالی تلقی نمی‌شود؛ بلکه فرصتی است برای تاکید مجدد بر نقش اساسی قضاوت حرفه‌ای در تمام جنبه‌های گزارشگری مالی (تهیه، اطمینان‌بخشی و استفاده).

## مقدمه

گزارشهای مالی به‌طور عمومی به‌عنوان ابزار اصلی که شرکتها از طریق آن اطلاعات را به سرمایه‌گذاران منتقل می‌کنند، با

تاکید بر عملکرد و وضعیت مالی آنها، پذیرفته شده است (CPA استرالیا، ۲۰۱۹).

با این حال، در سالهای اخیر در مورد این‌که آیا گزارشهای مالی به شکل فعلی‌شان می‌توانند به نیازهای اطلاعاتی در حال تحول سرمایه‌گذاران در یک محیط کسب‌وکار به‌طور فزاینده پیچیده پاسخ دهند، بحثهایی وجود داشته است.

برای کسانی که ادعا می‌کنند مربوط بودن گزارشگری مالی قانونی رو به کاهش است (به‌عنوان مثال، لیو و گنو<sup>۱۶</sup> ۲۰۱۶)، تعدادی از موضوعهای مشترک ظاهر می‌شود، از جمله:

- افزایش استفاده از معیارهای عملکردی که تحت استانداردهای حسابداری اندازه‌گیری نمی‌شوند. (معیارهای غیر GAAP) در گزارشهای سالانه، مانند "درآمدهایی که تحت استانداردهای حسابداری اندازه‌گیری نمی‌شوند که در اصطلاح درآمدی خیابانی گفته می‌شوند"<sup>۳</sup>.

- بحث دانشگاهی (علمی) در مورد مربوط بودن ارزش اعداد حسابداری سنتی برای سرمایه‌گذاران؛ مانند سود مرسوم و کل حقوق مالکانه.

- افزایش واگرایی بین ارزش دفتری و ارزش بازار، که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران برای ارزش‌گذاری شرکتها از منابع اطلاعاتی جایگزین استفاده می‌کنند.

با توجه به این انتقادات و نگرانیها، این پروژه به‌دنبال کشف فرصتهایی برای شفاف‌سازی دامنه گزارشگری مالی است. به‌طور خاص، هدف این پروژه شناسایی چگونگی ادامه گزارشگری مالی برای پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی در حال تحول سرمایه‌گذاران و ارائه راهنمایی برای کمک به گزارشگری مالی برای آینده در یک زمینه تجاری و اجتماعی پیچیده‌تر است.

هدف اصلی این پروژه به‌الزام گسترش دامنه گزارشگری مالی به‌خودی خود نیست، بلکه کمک به بازتعریف نقش گزارشگری مالی است تا اطمینان حاصل شود که همچنان به‌عنوان یک ابزار ارتباطی موثر برای «بیان داستان»<sup>۴</sup> عملکرد یک واحد اقتصادی باقی می‌ماند. در انجام این کار، به‌دنبال اطلاع‌رسانی از تحولات مداوم گزارشگری مالی با توجه به نیازهای اطلاعاتی در حال تغییر سرمایه‌گذاران و محیط تجاری پیچیده‌تر است.

موضوعی را بررسی کردیم که در معرض افزایش درخواستها برای گزارشگری و افشای اطلاعات بیشتر بوده‌اند. به‌طور خاص، ما دو حوزه موضوعی کلیدی را بررسی می‌کنیم که در زیر به‌اختصار توضیح داده شده است:

- اطلاعات مالی مرتبط با پایداری: با تاسیس هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB)، نیاز به گزارش‌دهی پایداری مورد بحث نیست (IFRS 2020)، بلکه موضوع این است که چه چیزی و چگونه باید گزارش شود. ما از رویکرد "اول اقلیم" ISSB برای پایداری پیروی می‌کنیم و گزارشهای مالی را با توجه به ریسکهای اقلیم و انتشار کربن بررسی می‌کنیم. در حالی که اولین پیش‌نویسهای افشای (ISSB S1 و IFRS 2022b) (IFRS 2022a، S2)، بر افشای اطلاعات تمرکز دارد، ما بررسی خود را بر مسایل مربوط به شناخت و اندازه‌گیری متمرکز می‌کنیم. این با فرض ما (از کار قبلی) مطابقت دارد که شناخت و اندازه‌گیری منجر به گزارشگری معتبرتری می‌شود.

- داراییهای نامشهود: ما به‌طور بالقوه افزایش شناسایی داراییهای نامشهود تولیدشده در داخل واحد تجاری و افشای اطلاعات اضافی در مورد داراییهای نامشهود، خواه تولید داخلی یا تحصیل از بیرون، را بررسی می‌کنیم. به‌عنوان یک موضوع موازی منطقی، با افزایش شناسایی داراییهای نامشهود، ما شناخت و اندازه‌گیری بدهیهای نامشهود را نیز در نظر می‌گیریم. با بررسی شناخت و اندازه‌گیری گسترده‌تر داراییها و بدهیها، ما در نظر می‌گیریم که چگونه ریسکها و اطلاعات آینده‌نگر بیشتری را می‌توان در گزارشگری مالی قانونی منعکس کرد.

هدف مقایسه و مقابله چارچوبهای گزارشگری جایگزین (به‌عنوان مثال، چارچوب مفهومی IASB و چارچوب گزارشگری یکپارچه توسعه‌یافته) نیست. در عوض، ما به‌دنبال بررسی چالشها و مسایل مشترک در سراسر حوزه‌های موضوعی بودیم تا دستورالعملهایی را ارائه دهیم تا گزارشگری مالی را قادر سازد در خصوص "داستان" عملکرد واحد تجاری در یک محیط تجاری پیچیده تر، اطلاعات جامعی را ارائه دهد.

از نظر روش‌شناسی، ما مجموعه‌ای از گروه‌های متمرکز

این امر مستلزم کاوش در مسایل، چالشها و عواملی است که برای گزارشگری در مورد اقلیمی که در محدوده گزارشگری مالی قرار دارند، اما اغلب به‌دلیل نگرانی در مورد عدم قطعیت اندازه‌گیری، در حال حاضر در گزارشهای مالی تولیدشده تحت استانداردهای بین‌المللی اندازه‌گیری و افشا نمی‌شوند.

این گزارش پژوهشی براساس تحقیقات قبلی انجام‌شده توسط داورن و همکاران (۲۰۱۸، ۲۰۱۹ a) است که بر سودمندی تصمیم‌گیری گزارشهای مالی شرکت‌های بورسی استرالیا متمرکز شده است. تحقیقات پیشین نشان داده است که به‌رغم انتقادهایی که اغلب به گزارشگری مالی وارد می‌شود، قابلیت تصمیم‌گیری آن همچنان پایدار مانده است. به‌ویژه، همچنین تاکید شد که برای حفظ ارتباط گزارشگری مالی، اعتبار اساسی اطلاعات گزارش شده نباید قربانی شود. برای مثال، لو و گو (۲۰۱۶) و لو (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند که سودمندی صورتهای مالی در حال کاهش است، که بیشتر به‌دلیل روشهای اندازه‌گیری و گزارشگری گذشته‌نگر است، و خواستار رویکردهای جسورانه جدیدی برای اندازه‌گیری عملکرد مالی دوره‌ای هستند.

از سوی دیگر، پژوهشگرانی مانند دچو و همکاران (۲۰۱۴)، داورن و همکاران، (۲۰۱۸، ۲۰۱۹ a) و بارت و همکاران (۲۰۲۱) دیدگاه جایگزینی ارائه می‌دهند و استدلال می‌کنند که ارتباط گزارشهای مالی برای سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان کاهش نیافته، بلکه نیازمند درک دقیق‌تری است.

به‌عنوان مثال، با توجه به نتایج تحقیق داورن و همکاران (۲۰۱۸، ۲۰۱۹ a)، گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران سهام در طول زمان همواره مرتبط باقی مانده است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که شاخصهای مالی غیر GAAP معاصر، مانند EBITDA و EBIT، همچنان دارای اهمیت هستند، اما به‌عنوان مکمل، نه جایگزین گزارشگری مالی سنتی.

هدف اصلی این پژوهش بررسی راه‌هایی برای افزایش مربوط‌بودن گزارشگری مالی است، بدون آن‌که مزیت رقابتی منحصر به فرد گزارشگری مالی تنظیم شده به‌عنوان معتبرترین منبع اطلاعاتی برای بازارهای سرمایه از بین برود. (داورن و همکاران ۲۰۱۹). برای این منظور، ما حوزه‌های

اندازه‌گیری کامل باعث ایجاد کیفیت بالاتر در داده‌های اساسی می‌شود (داورن و همکاران 2019b). این امر به احتمال به دلیل افزایش توجه مدیریت و حسابرس به مواردی است که در معرض شناخت و اندازه‌گیری کامل قرار دارند. البته، داده‌های باکیفیت با توجه به چالش‌های موجود در ارزشگذاری (برای مثال، عدم قطعیت اندازه‌گیری) به الزام به گزارش باکیفیت تری منجر نمی‌شود.

با حرکت بیشتر به سمت پایین هرم، افشاهای داوطلبانه، طبیعی است که مشمول افشای انتخابی هستند و به طور بالقوه باعث تعصب می‌شوند. به این ترتیب، هرم نقش کلیدی مقررات و اطمینان‌دهی را در حصول اطمینان از گزارشگری مالی باکیفیت برجسته می‌کند. مطابق با پژوهش‌های قبلی (داورن 2019a)، هرم گزارشگری مالی، گزارشگری مالی قانونی حسابرسی شده را به عنوان اتکاپذیرترین منبع اطلاعاتی برای فعالان بازار سرمایه قرار می‌دهد.

ما تحقیق‌های خود را پیرامون هرم گزارشگری چارچوب‌بندی می‌کنیم. ما عوامل و موانع انتقال گزارش موارد بالاتر در هرم را بررسی می‌کنیم. با بالارفتن در هرم، هم قابلیت اتکا و

و مصاحبه‌ها را با ذینفعان مختلف، از جمله متخصصان، دانشگاهیان، سرمایه‌گذاران و ناظران با تجربه عمیق در زمینه‌های موضوعی خاص انجام دادیم.

ما در ابتدا قصد داشتیم حوزه موضوعی عمومی را هم بررسی کنیم: ریسک و اطلاعات آینده نگر؛ اما در جریان بررسی خود متوجه شدیم که این موضوع در دو حوزه موضوعی دیگر به طور ملموس تری در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال، اطلاعات ریسک می‌تواند شامل قرارگرفتن در معرض ریسک‌های اقلیمی باشد که بخشی از پایداری نیز می‌باشد.

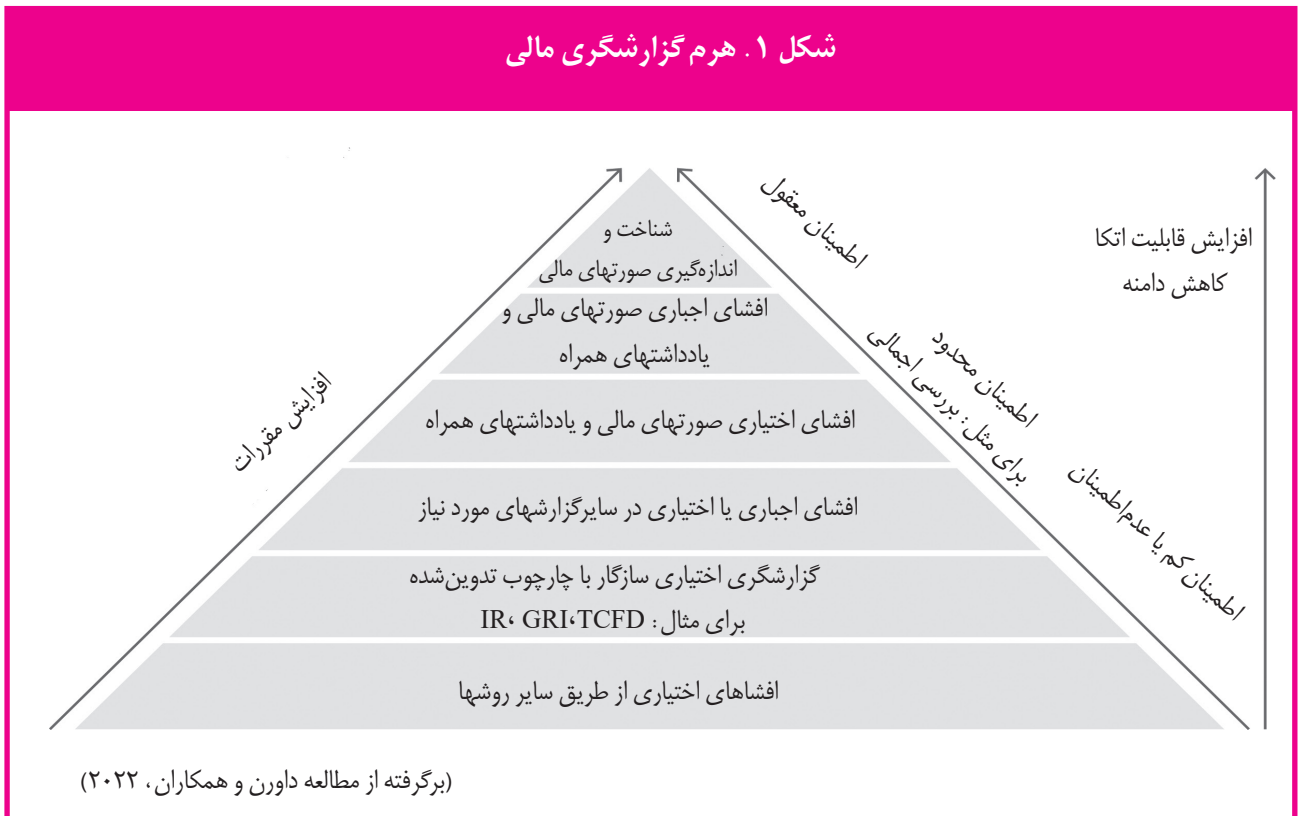
### رویکرد تحقیق:

#### هرم گزارشگری مالی

برای چارچوب تحقیق، هرم گزارشگری مالی (شکل ۱) را به عنوان نقطه شروعی برای تجزیه و تحلیل و بحث ایجاد کردیم. استاندارد طلایی مشخص شده در هرم گزارشگری، شناخت و اندازه‌گیری کامل مطابق با استانداردهای حسابداری IFRS است.

کار قبلی نشان داده است که به نظر می‌رسد شناخت و

شکل ۱. هرم گزارشگری مالی



ما بر ریسک اقلیمی تمرکز داریم و از رویکرد اولویت اقلیمی هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) پیروی می‌کنیم. ابتدا گزارشی پس از وقوع (ex post) دربارۀ پیامدهای مرتبط با اقلیم را بررسی می‌کنیم و سپس به دیدگاه آینده‌نگر در مورد گزارشی ریسک اقلیمی می‌پردازیم.

### گزارشگری ریسک اقلیمی:

#### نگاهی به گذشته

از دیدگاه گذشته‌نگر، گزارش ریسک اقلیمی، تا به امروز، بر ردیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌عنوان رویکرد اولیه متمرکز شده است. پیچیدگی روزافزونی در ردیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود داشته است؛ زیرا گزارش از "حوزه ۱" (انتشار مستقیم) به "حوزه ۲" (انتشار غیرمستقیم از طریق مصرف انرژی) و در نهایت "حوزه ۳" (هرگونه انتشار غیرمستقیم دیگر) تغییر کرده است. به‌رغم پیشرفت در گزارش انتشار گازهای گلخانه‌ای، این سوال باقی می‌ماند که "اگر افشای اقلیم در حال بهبود است، چرا کربن‌زدایی شتاب نمی‌گیرد؟" (EY، 2021)

واضح است که تغییرهای اقلیمی می‌تواند بر ارزش داراییها، بدهیهای مرتبط، زنجیره‌های تامین یک واحد تجاری و بازارهای مشتریان تاثیر بگذارد. در واقع، چنین ریسک‌هایی به‌عنوان «افشای موارد بااهمیت و اطمینان‌بخش هنگام تهیه صورتهای مالی، صرف‌نظر از تاثیر عددی آنها» شناسایی شده‌اند (AASB/AAUSB ۲۰۱۹، ص ۳).

با این حال، همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان خاطرنشان کرد، ما در حال حاضر از شناخت و اندازه‌گیری در صورتهای مالی در این زمینه فاصله داریم:

کل مفهوم ارزشگذاری داراییها و درنظر گرفتن کربن، هنوز حتی در ذهن گروه‌های رهبری [هیئت‌مدیره و مدیریت] جا نیفتاده که باید این کار را انجام دهند. تمرکز، بیشتر بر مصرف انرژی از منظر تاثیر آن بر تغییرهای اقلیمی بوده است؛ یعنی ابتدایی‌ترین سطح از توجه به پیامدهای مالی افشای اطلاعات مربوط به اقلیم.

همسو با تمایل به ارتقای گزارشگری در مورد جنبه‌های ریسک اقلیمی به سطوح بالاتر در هرم گزارشگری، نیاز به

هم اطلاع‌رسانی گزارشها افزایش می‌یابد. هدف این است که مسیری روبه‌جلو برای سیاستگذاران و دست‌اندرکاران ارائه شود؛ زیرا آنها با چالشهای زیادی در مورد افزایش مربوط بودن و در عین حال قابلیت اتکای گزارشگری مالی، دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

از نظر روش‌شناسی، پژوهش ما مستلزم گروه‌های متمرکز و مصاحبه با کارشناسان در زمینه گزارشگری در حوزه‌های موضوعی ما بود. تمام گروه‌های کانونی و مصاحبه‌ها انجام، ضبط و به‌صورت حرفه‌ای رونویسی شد و بیش از ۲۸۰۰۰ کلمه متن برای تجزیه و تحلیل ایجاد شد.

در بخشهای بعدی، تحلیل‌های خاص را در دو حوزه موضوعی کلیدی گزارشگری پایداری (و به‌ویژه ریسک اقلیمی) و موارد نامشهود مورد بحث قرار می‌دهیم. سپس یافته‌های خود را در مورد دیدگاه‌ها و رهنمودهای خط‌مشی ادغام می‌کنیم تا گزارشهایی را که این حوزه‌های موضوعی را دربر می‌گیرد و تمرکز را به سمت بالای هرم تغییر می‌دهد، امکان‌پذیر کنیم. با ثابت نگه‌داشتن سایر عوامل، گزارشگری معتبرتر یک قلم خاص منجر به ارائه اطلاعات مفید بیشتری<sup>۵</sup> از آن قلم می‌شود. با این حال، همانطور که گزارشگری در هرم به سمت بالا حرکت می‌کند، دامنه آن محدودتر می‌شود و بنابراین گزارشگری درکل در آن سطح از هرم به‌الزام حاوی اطلاعات مفید بیشتری نیست.

#### پایداری-گزارشگری مالی مربوط

با ادغام اخیر هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) با هیئت استانداردهای حسابداری پایداری (SASB)، هیئت استانداردهای افشای اقلیمی (CDSB) و بنیاد گزارشگری ارزش (که پیش‌تر میزبان استانداردهای SASB، چارچوب CDSB و چارچوب گزارشگری یکپارچه بود)، گزارشگری پایداری به مرحله بلوغ خود رسیده است.

هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) که اکنون تقویت شده است، وظیفه چالشی "تامین نیازهای روزافزون و فوری برای ساده‌سازی و رسمی‌سازی افشای پایداری شرکتی (IFRS 2021)" را برعهده دارد. از دیدگاه هرم گزارشگری، ما این چالش را برای پیشبرد شناخت و اندازه‌گیری در گزارشگری مالی مرتبط با پایداری بررسی می‌کنیم.

اندازه‌گیری (بالاترین سطح هرم گزارشگری)، شرکت‌کنندگان ما مشاهدات قابل توجه‌ای را ارائه دادند. به‌طور اساسی، آن‌ها تمایز بین گزارش‌دهی مالی و غیرمالی را در رابطه با گزارشگری پایداری از دیدگاه سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان تا حدی یک دوگانگی نادرست دانستند.

: کل حوزه غیرمالی شما، که البته همه آن مالی است، اما به دلیل نبود اصطلاحی بهتر، آن را غیرمالی می‌نامیم. ...

سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان خواستار گزارش‌دهی در مورد ریسک آب‌وهوایی هستند؛ به‌طور دقیق به این دلیل که انتظار می‌رود در نهایت به‌عنوان یک تاثیر مالی ظاهر شود. پیامدهای مالی بالقوه ریسک آب‌وهوایی مشمول عدم قطعیت در اندازه‌گیری است، اما به‌طور کلی مشروط نیست - وجود تغییرهای آب‌وهوایی، اثبات شده است. این عدم قطعیت در اندازه‌گیری، چالشهایی را برای تهیه‌کنندگان گزارش و فرایند اطمینان‌بخشی ایجاد می‌کند، اما یک مانع غیرقابل عبور نیست. همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان اشاره کرد:

[یک] عنصر ریسک‌پذیری [برای] شرکت‌های حسابداری وجود دارد، ... آن‌ها پیش از این [افشای ریسک اقلیمی] را انجام می‌دادند، اما این یک حوزه جدید است و اشتباه‌هایی رخ خواهد داد.

همان‌طور که در تلاش برای حمایت از شناخت و اندازه‌گیری اجباری ریسک آب‌وهوایی هستیم، باید این کار را به‌روشی اصولی انجام دهیم. تنظیم مقررات سخت‌گیرانه راه‌حل نیست. به‌نظر می‌رسد که هدف ارائه اطلاعات مفید به استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی، با فراهم‌کردن زمینه‌ای برای قضاوت و تفسیر، به بهترین شکل محقق می‌شود.

. . . فکر می‌کنم وقتی درباره یکپارچگی و داده‌های مربوط به گزارشگری کربن و شاید آنچه گزارش می‌شود صحبت می‌کنیم . . . تصویری کلی‌تر از گزارشگری شرکتی و نیازهای استفاده‌کنندگان وجود دارد. در این میان، فضایی برای تفسیر اصول گزارشگری وجود دارد تا "داستان را روایت کند". . . .

این تمرکز بر داستان‌سرایی ساختاریافته، قضاوت و تفسیر

اطمینان‌بخشی را مشاهده می‌کنیم. بهبود اطمینان‌بخشی نسبت به داده‌های پایه کربن، نقطه شروعی است پیش از آن‌که به اطمینان‌بخشی در مورد قضاوت‌های مربوط به شناخت و اندازه‌گیری برسیم. با این حال، اطمینان‌بخشی نسبت به داده‌های پایه فرایندی پیچیده است و نیازمند ورودی از متخصصانی فراتر از حوزه حسابداری و حسابرسی است، همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان اشاره کرد:

... اطمینان معقول از مجموعه داده‌های کربن مدتی است که اتفاق افتاده است و زمان می‌برد، ورودیهای زیادی وجود دارد...

با این وجود، نیاز به حرکت به سمت بالای هرم مشهود است. افشای داوطلبانه انتظارات را برآورده نمی‌کند؛ زیرا کیفیت گزارشگری به‌طور قابل توجهی از پوشش ریسک‌های اقلیمی در گزارشها عقب است (EY ۲۰۲۱). همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان توضیح داد:

من به این اندازه مطمئن نیستم که وقتی شرکتها اطلاعات مربوط به کربن، تغییرهای اقلیمی یا سایر موارد را افشا می‌کنند، به‌حتم تاییدی از حسابرس دریافت می‌کنند. مطمئن نیستم که سطح اطمینان در سراسر بازار به‌صورت یکنواخت اعمال شود؛ زیرا این افشاگرها به‌صورت داوطلبانه انجام می‌شوند و در حال حاضر در یک حوزه ناشناخته قرار دارند. در حال حاضر نمی‌توانم به آن‌ها توصیه‌ای قطعی و مشخص در مورد نحوه انجام این کار بدهم، اما نگران این هستم که مفهوم اطمینان معقول در مورد افشای اطلاعات کربنی به‌طور دقیق چه معنایی دارد.

حرکت فراتر از افشای داوطلبانه، در صورتی ضروری است که به یکنواختی و مقایسه‌پذیری لازم دست یابیم. همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان توضیح داد:

ما در حوزه مالی، سیستمها و فرایندهای گزارشگری قوی‌ای داریم و در نتیجه، فرایندهای حسابرسی و اطمینان‌بخشی مستحکمی نیز وجود دارد که سازگار و قابل اتکا هستند. اما در این حوزه [حسابداری کربن/ریسک اقلیمی]، هنوز سازگاری لازم را نداریم و به‌نظر من، برای دستیابی به آن باید الزام‌های قانونی وضع شود.

در تلاش برای انتقال گزارشگری به نقطه شناخت و

چارچوب پیش‌نویس‌های (S1,S2) و (IFRS 2022a,b) ، نه تنها از نظر وسعت ، بلکه شاید مهمتر از آن از نظر اعتبار ، کافی است؟

معیارها و اهداف مطرح شده در پیش‌نویس استاندارد را نمی‌توان از نظر اعتبار ، معادل با شناخت و اندازه‌گیری در صورتهای مالی دانست؛ جایی که سیستمهای گزارشگری و فرایندهای اطمینان‌بخشی قوی و ساخت‌یافته هستند. در اصل ، این موضوع به گزارشگری درباره انتظارات فعلی در مورد پیامدهای آتی تغییرهای اقلیمی بر ارزش شرکت مربوط است . این رویکرد ”روبه‌آینده ”منبعی از نگرانی و تردید برای برخی است . همان‌طور که یکی از مشارکت‌کنندگان اشاره کرد: برخی از این موارد به نظر می‌رسد که حرکت قابل توجهی از حسابداری سنتی ، که به شدت مبتنی بر اطلاعات تاریخی بود ، به سوی اطلاعات آینده‌نگر است — اطلاعاتی که اکنون تلاش داریم آن‌ها را افشا و گزارش کنیم .

با این حال ، ادعای این‌که حسابداری سنتی فقط مبتنی بر گذشته است ، به وضوح یک برداشت نادرست است . انتظارات نسبت به آینده از دیرباز در گزارشگری مالی سابقه داشته‌اند ؛ چنان‌که یکی از شرکت‌کنندگان در اظهار نظر زیر به آن اشاره می‌کند:

ما همیشه هنگام محاسبه ارزش داراییها به اطلاعات آینده نگاه کرده‌ایم و طبیعی است که در تلاش برای تعیین جریانهای نقدی آتی نیز همین‌طور بوده‌ایم . این کار آسانی نیست . . . و من می‌دانم که بسیاری از افراد در برابر اطلاعات آینده‌نگر مقاومت می‌کنند ، چون در گذشته با این موضوع احساس راحتی داشته‌ایم که اطلاعات گذشته و تاریخی را گزارش و حسابرسی می‌کرده‌ایم .

با رجوع به چارچوب مفهومی ، به وضوح می‌بینیم که داراییها و بدهیها ماهیتی آینده‌نگر دارند .

چارچوب مفهومی ، داراییها و بدهیها را براساس منابع اقتصادی تعریف می‌کند . منابع اقتصادی نیز به نوبه خود به‌عنوان «حقی که پتانسیل ایجاد منافع اقتصادی را دارد» تعریف شده‌اند . واژه «پتانسیل» در ذات به معنای انتظاری نسبت به آینده است .

از نظر عملی ، چالش دوباره این است که شناخت و

موضوعی کلیدی است که در داده‌های ما ظاهر می‌شود . این به‌الزام به معنای گزارش بیشتر نیست ؛ بلکه گزارش بهتری در مورد آنچه که برای «گفتن داستان» اهمیت دارد ، می‌باشد . همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان ما به درستی بیان کرده است ، این شامل موارد زیر است :

. . . با حفظ شفافیت ، آن را به آنچه که با اهمیت است ، برگردانید .

عملیاتی کردن مفهوم اهمیت در گزارشگری کربن و تعیین سطح مناسب شفافیت چالشهای قابل توجهی را به همراه دارد . اهمیت ، همان‌گونه که اغلب در گزارشگری مالی اعمال می‌شود ، می‌تواند فرمول محور باشد و براساس اندازه نسبی اقلام خاص در مقایسه با ارقام پایه مانند داراییها و درآمد تعیین شود . اهمیت یک قضاوت درباره میزان تاثیرگذاری یک قلم گزارش شده است ، که گاهی مستقل از اندازه آن در نظر گرفته می‌شود .

شفافیت با نیاز مشروع به محافظت از اطلاعات محرمانه شرکتی به چالش کشیده می‌شود . در حالی که ارائه مداوم داده‌های خام از سوی شرکتها از نظر فناوری روزبه‌روز امکان پذیرتر می‌شود ، هزینه‌ها [پیامدهای] بالقوه مربوط به افشای اطلاعات محرمانه نشان می‌دهد که به احتمال زیاد ، هرگز شاهد یک نظام گزارشگری نخواهیم بود که در آن سرمایه‌گذاران بتوانند به این داده‌ها به صورت لحظه‌ای دسترسی داشته باشند تا مدل‌های ارزشیابی و تصمیم‌گیریهای خود را به‌طور مستقیم براساس آن تنظیم کنند .

در اصل ، این تنش بین اهمیت ، شفافیت و هزینه‌های اختصاصی در حال حاضر توسط واحدهایی که حجم و نوع اطلاعات گزارش شده را مدیریت می‌کنند ، متعادل می‌شود و به‌طور بالقوه سودمندی اطلاعات برای سرمایه‌گذاران سهام را به چالش می‌کشد .

### گزارشگری ریسک اقلیمی : نگاهی به گذشته

پس چگونه باید شرکتها در مورد تاثیر بااهمیت ریسکهای اقلیمی بر ارزش شرکت به اندازه کافی شفاف باشند؟ برای مثال ، آیا شناسایی این موضوع از طریق کاهش ارزش مناسب داراییها ، کافی است؟ در مورد مسایل گسترده‌تر در زنجیره تامین و بازارهای مشتری چه می‌شود؟ آیا افشاها در

اندازه‌گیری آثار مالی مرتبط با تغییرهای اقلیمی نیازمند دانش تخصصی در این حوزه و آگاهی و شناسایی ریسکهایی است که تغییرهای اقلیمی به همراه دارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان به این موضوع اشاره کرد:

این یک حوزه تخصصی متفاوت است؛ تاکید می‌کنم که در واقع یک حوزه تخصصی متفاوت است و در اینجا نیاز داریم که افرادی را با دانش تخصصی استخدام و وارد کنیم.

چالش‌های مربوط به شناخت و اندازه‌گیری همچنین به عدم قطعیت اندازه‌گیری اشاره دارند که به شدت تحت تاثیر عدم قطعیت مرتبط با تنظیم‌گیری‌های سیاستی آینده دولتها و نهادهای تنظیم‌کننده و تاثیر احتمالی آنها بر کسب‌وکارها، جمعیتها و الگوهای مصرف افراد قرار دارد:

... فکر می‌کنم تنها بخشی که من آن را به عنوان یک عدم قطعیت عظیم می‌بینم، اقدامهای دولت و مقررات دولتی است.

به عنوان مثال، چشم‌انداز مقررات آتی که انتشار کربن را محدود می‌کند، ممکن است منجر به آسیب‌رساندن به ارزش داراییهای تولیدی شود که انتشار کربن را ایجاد می‌کنند. عدم قطعیتی که به وجود می‌آید این است که محدودیتها چه زمانی ممکن است اعمال شوند و چقدر ممکن است این محدودیتها سخت باشد. این فقط عدم قطعیت در جهت نزولی نیست، بلکه عدم قطعیت اندازه‌گیری در جهت صعودی است. ارزش سرمایه‌گذاری در فناوریهای کاهش کربن که انتشار کربن را در زنجیره تامین کاهش، جبران یا حذف می‌کنند، به ماهیت و زمان بندی فعالیت‌های نظارتی نیز بستگی دارد. استرالیا در طول ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته یک مطالعه موردی نمونه در این موضوع بوده است، با تغییرهای بسیار چشمگیر در سیاستهای مربوط به تغییرها اقلیمی بین دولتهای مختلف.

### مدل‌سازی سناریوی ریسک اقلیم

کارگروه ویژه افشای اطلاعات مرتبط با تغییرهای اقلیمی (TCFD)، استفاده از مدل‌سازی سناریو را به عنوان ابزاری مفید برای گزارشگری در مورد پیامدهای احتمالی آینده تغییرهای اقلیمی ترویج می‌دهد. با توجه به سناریوهای احتمالی شناسایی شده، اطلاعات آینده‌نگر این امکان را فراهم

می‌کند که چگونگی وضعیت یک شرکت به سرمایه‌گذاران منتقل شود.

البته، در اینجا این رویه هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد، توسعه کافی نیافته و فاقد مقررات و تضمینهای لازم برای ایجاد اعتبار کافی به منظور استفاده از برآوردهای مبتنی بر سناریو در شناخت و اندازه‌گیری کامل آثار مالی ناشی از ریسکهای اقلیمی است. همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان اشاره کرده است:

... من اغلب خود را در اتاقهای هیئت‌مدیره می‌بینم که ... تاثیر تغییرهای اقلیمی بر آنها را توضیح می‌دهم که بسته به محل داراییهای آنها، چگونه است؛ به خصوص برای عملیات ساحلی مانند بنادر و غیره که من به ندرت با آنها کار می‌کنم؛ بنابراین، بسیار مهم است. شناسایی توسط واحدهای گزارشگر در واقع به کار نیاز دارد. تعداد بسیار کمی از کسانی که من با آنها کار می‌کنم، مدل‌سازی سناریوی خوبی در مورد سازگاری با ریسک تغییرات اقلیمی انجام داده‌اند.

واضح است که ما در نقطه عطفی هستیم؛ زیرا واحدهای تجاری شروع به بررسی نحوه استفاده از سناریوها برای اطلاع‌رسانی اندازه‌گیری می‌کنند؛ همان‌طور که در زیر، نظر یک شرکت‌کننده مشاهده می‌شود:

... بنابراین، آنها به تقریب باید به نقطه A برسند، و متوجه شوند که باید آن نوع سناریو و مدل‌سازی B را انجام دهند، سپس آن را در نمونه کار خود به کار ببرند و ... افرادی با تخصص مناسب را وارد کنند تا در این زمینه به خوبی صحبت کنند. در این صورت، این موضوع چگونه بر ارزش داراییهای موجود در پرتفوی تاثیر می‌گذارد؟

حرکت رو به جلو مبتنی بر تجزیه و تحلیل سناریو برای اطلاع از شناخت و اندازه‌گیری آثار مالی ریسک اقلیم، یک تغییر غیرضروری است. دو موضوع کلیدی مرتبط با یکدیگر باید در اینجا درک شوند: (الف) چالشهای مدل‌سازی و (ب) تغییر از اندازه‌گیری هزینه به اندازه‌گیری ارزش.

### چالشهای مدل‌سازی

در زمینه مدل‌سازی سناریوها به منظور اطلاع‌رسانی برای اندازه‌گیری، اغلب به درستی درک نمی‌شود که سه گروه متمایز

از مدلها در این فرایند نقش دارند:

است که گزارشگری مالی باید حرکت کند. مدل‌های مرحله ۳، به‌عنوان بیانیه‌های مدیریت، به‌رغم اعتبار کمتر چنین گزارش‌هایی، شاید بهتر باشد به‌نوعی افشای داوطلبانه واگذار شوند.

قابل توجه است که پیش‌نویس گزارشگری پیشنهادی هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) در رابطه با «استراتژی» شامل گزارشگری در مورد آثار مورد انتظار استراتژی ریسک اقلیمی واحد تجاری نمی‌شود، تنها شامل افشای تاثیر ریسک اقلیم (یعنی مطابق با مدل‌های مرحله ۱ و ۲) و استراتژی خود است.

سطح اطمینان در این گزینه‌ها به‌طور کامل متفاوت است: اطمینان از «داده‌هایی» که می‌تواند به‌عنوان ورودی قضاوت‌های ارزشگذاری توسط سرمایه‌گذاران استفاده شود یا اطمینان از تاثیر مالی مورد انتظار، به‌احتمال نسبت به اطمینان از تاثیر مدل‌سازی شده یک هدف مدیریتی در رابطه با ریسک اقلیم، بحث‌برانگیزتر است.

### از اندازه‌گیری هزینه تا اندازه‌گیری ارزش

همانطور که گزارش در این فضا تکامل می‌یابد، مدل‌سازی سناریویی که در بالا مورد بحث قرار گرفت، حرکتی از اندازه‌گیری هزینه انتشار کربن تاریخی به اندازه‌گیری ارزش داراییها و بدهیهای تحت‌تاثیر تغییرهای اقلیمی را پیشنهاد می‌کند (یعنی مدل‌های مرحله ۲ بالا). همانطور که توسط یکی از شرکت‌کنندگان توضیح داده شد، تجزیه و تحلیل برای داراییها به‌شرح زیر است:

داراییهای ما کجاست؟ یک مدل‌سازی سناریویی پیرامون تغییرهای اقلیمی چیست و بنابراین اگر سطح دریا به این میزان افزایش یابد... آیا ما داراییهای خود را از دست می‌دهیم؟ آیا ارزش داراییها کاهش می‌یابد؟

البته، این تغییر از مبنای بهای تمام‌شده (با کاهش ارزش) به ارزش، عدم قطعیت اندازه‌گیری بیشتری را به‌وجود می‌آورد. عدم قطعیت اندازه‌گیری همیشه تا حدودی وجود دارد. سوال این است که آیا عدم قطعیت اندازه‌گیری به‌اندازه کافی وجود دارد که بتوان شناخت و اندازه‌گیری معتبر و با محتوای اطلاعاتی را انجام داد؟ همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان

۱- مدل تغییرهای اقلیمی،  
۲- مدل پیامدهای مالی ناشی از تغییرهای اقلیمی که در مرحله (۱) برآورد شده‌اند، و  
۳- مدل اثربخشی مالی اقدامهای واکنشی در برابر پیامدهای مورد انتظار.

با تجزیه مدل‌ها می‌توان دید که مدل‌های مرحله اول (۱) تا حد زیادی یک موضوع علمی است نه حسابداری، مدل‌های مرحله دوم (۲) شبیه مدل‌های کاهش ارزش است، و مدل‌های مرحله سوم (۳) به‌شدت به آن‌ها وابسته است. فرضهای مربوط به اقدامهای آتی مدیریت آثار قابل توجهی بر عدم قطعیت اندازه‌گیری دارد و قابلیت اطمینان مدل‌ها را کاهش می‌دهد. از مدل‌های علمی اتکاپذیر در مرحله ۱ تا مرحله ۳، که به‌همان اندازه که انتظارهای آینده را نشان می‌دهند، اهداف مدیریتی را نیز منعکس می‌کنند.

شناخت و اندازه‌گیری معتبر که به مدل‌های مراحل ۱ و ۲ وابسته باشد، به‌نظر می‌رسد که به‌طور کامل ممکن است، همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان فعال در مدل‌سازی اقلیمی اظهار کرد:

جالب است؛ چون من زیاد با جامعه علمی سروکار دارم و البته کاهش عدم اطمینان در اندازه‌گیری اصل اساسی کار آن‌هاست، در حالی که سرمایه‌گذاران می‌گویند: «اگر در حدود تقریبی قابل‌قبولی باشد، کافی است...» بنابراین، من خیلی نگران عدم اطمینان در اندازه‌گیری نیستم. فکر می‌کنم آنچه پیش‌رو داریم، بهبود سریع مدل‌ها و ابزار اندازه‌گیری است که به‌تدریج این مسئله را برطرف خواهد کرد.

در واقع، همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان اذعان کرد، نمونه‌های ملموسی از علم تثبیت‌شده وجود دارد که از قبل اطلاعاتی در مورد جنبه‌های زیست‌فیزیکی محیط ارائه می‌دهد: اکنون شرکتهای اقماری وجود دارند که می‌توانند به شما بگویند کانونلای شما چقدر خوب رشد می‌کند و در چه روز و چه ساعتی باید آن را برداشت کنید؛ بنابراین شما آن را در حسابداری مالی ندارید.

از منظر مدل‌سازی، ممکن است انتظار داشته باشیم که شناخت و اندازه‌گیری براساس مدل‌های مرحله ۱ و ۲ جایی

## چالشی که گزارشگری مالی

با آن مواجه است

انتقال اطلاعات به

سرمایه‌گذاران در

مورد داراییهای

نامشهود و به‌ویژه

داراییهای نامشهود تولیدشده

درون واحد تجاری است

مشکلاتی که در طول زمان دیده‌ام این است که ارزش بازار بیش از پیش از ارزش دفتری دور می‌شود. ارزش دفتری برای ارائه اطلاعات مفیدتر استفاده می‌شود.

استدلالی که اغلب برای شناخت و اندازه‌گیری بهبود یافته داراییهای نامشهود ذکر می‌شود، مشاهده اختلاف فزاینده بین ارزش دفتری و ارزش بازار است. یکی از شرکت‌کنندگان در این رابطه چنین اظهار نظر کرده است:

... مشکلاتی که در طول زمان دیده‌ام این است که ارزش بازار بیش از پیش از ارزش دفتری دور می‌شود. این در حالی است که ارزش دفتری برای ارائه اطلاعات مفیدتر استفاده می‌شود.

در حالی که این دیدگاه به‌طور گسترده در بین شرکت‌کنندگان وجود داشت، اذعان داشتند که ارزش دفتری و ارزش بازار نباید یکسان باشد ("ما هدف‌مان تعیین ارزش شرکت نیست، هدف‌مان اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران است تا آن‌ها بتوانند ارزش شرکت را تعیین کنند؛ و «شما قصد ندارید بازار را نقشه‌برداری کنید، بلکه هدف‌تان این است که بازار را مطلع کنید»). مطابق با هرم گزارشگری، شرکت‌کنندگان ما اولویت را به شناخت و اندازه‌گیری می‌دهند؛ با نظرهایی مانند:

به‌درستی این وضعیت را توصیف کرد:

... باید عدم قطعیت اندازه‌گیری را بپذیریم، همان طور که باید [تغییر] را بپذیریم. من فکر می‌کنم آنچه که باید روی آن توافق کنیم، سطوح مختلف دقت است که به احتمال بسته به میزان ریسک مالی یا موارد دیگر، مربوط به اندازه‌گیری است. این که دقیقاً چگونه عدم قطعیت اندازه‌گیری را گزارش می‌کنیم، یک سوال کلیدی است. تا حدی، این هم‌زمان با بحث در مورد گزارش سناریوهای ریسک اقلیمی تحت راهنمایی مانند TCFD، در مورد سناریوهای مختلف باید ارائه شود. به‌عنوان مثال، آیا باید یک سناریو و ارزیابی واحد «بهترین برآورد» ارائه شود (همانطور که در حال حاضر چنین است؟)، یا باید چندین ارزیابی مانند سناریوهای «بهترین»، «بدترین» و «محتمل‌ترین» ارائه کنیم.

با این حال، ما استدلال می‌کنیم که باید از مدل‌های مرحله ۱ و مرحله ۲ استفاده کنیم تا گزارشگری مالی مرتبط با شناخت و اندازه‌گیری ریسک اقلیمی را به سمت بالای هرم انتقال دهیم.

عدم قطعیت اندازه‌گیری نباید مانع باشد و رویکرد افشای پیش‌نویس افشای ISSB احتمالاً منجر به اعتبار کمتر و تعدد معیارها با پیوندهای نامشخص با آثار مالی می‌شود. سوالی که باقی می‌ماند این است که چگونه عدم قطعیت اندازه‌گیری را گزارش می‌کنیم.

این سوال مختص گزارشگری پایداری نیست؛ بنابراین ما اکنون به منابع نامشهود روی می‌آوریم تا ببینیم چگونه عدم قطعیت اندازه‌گیری در آن زمینه آشکار می‌شود.

## داراییهای نامشهود:

با افزایش تعداد شرکت‌هایی که عملیات خود را بر ارائه خدمات به مشتریان و دانش متمرکز کرده‌اند، ارزش شرکت به‌طور فزاینده‌ای تحت تاثیر داراییهای نامشهود قرار می‌گیرد.

چالشی که گزارشگری مالی با آن مواجه است، انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران در مورد داراییهای نامشهود و به‌ویژه داراییهای نامشهود تولیدشده درون واحد تجاری است که طبق استانداردهای حسابداری IFRS، در حال حاضر در صورت وضعیت مالی شرکت قابل شناسایی نیستند.

نامشهود نیز اشاره کرد:

موافقم که داراییهای نامشهود چه تولید داخل واحد تجاری باشند چه تحصیل شده از خارج واحد تجاری، (آن‌ها) یکسان هستند یا می‌توان آن‌ها را یکسان دید؛ اما من فکر می‌کنم شناخت و اندازه‌گیری آن‌ها در هر دو مورد به همان اندازه دشوار است.

**عمیق‌تر شدن در بحث با شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که مشکل در واقع شناخت نیست، بلکه اندازه‌گیری است؛**

. . . در حال حاضر تقابل قابلیت شناسایی و عدم قابلیت شناسایی است . . . اگرچه از نظر مفهومی من در واقع . . . نمی‌توانم بفهمم که چرا سرقفلی ایجاد شده در داخل (توسط خود شرکت) که یک دارایی است، نمی‌تواند شناسایی شود. . . شما با مشکلاتی مانند . . . ارزشگذاری داراییهای نامشهود تولید شده داخل واحد تجاری بسیار دشوار است؛ چگونه آن را شناسایی می‌کنید؟

اگر نگرانیها درباره شناسایی وجود نداشته باشد، پس چالش اصلی باید در اندازه‌گیری باشد؛ به‌ویژه عدم قطعیت در اندازه‌گیری با توجه به الزام برای قابلیت اتکای اندازه‌گیری در بند ۲۱<sup>b</sup> استاندارد AASB 138.

نکته قابل توجه در گفته‌های مشارکت‌کننده، ظرافت زبانی است: مشارکت‌کننده در بالا از واژه "ارزش (value)" استفاده می‌کند و نه "هزینه". در مورد داراییهای نامشهودی که در درون واحد تجاری ایجاد شده‌اند، می‌توان استدلال کرد که هزینه‌ها قابل اندازه‌گیری‌اند؛ چرا که - همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد - از منابع اقتصادی بهره می‌گیرند که از طریق معاملات مستقل به دست آمده‌اند.

با این حال، ممکن است تفکیک هزینه‌ها از اجرای عملیات روزانه براساس<sup>۸</sup> (AASB 138.51) امکان‌پذیر نباشد و از شناسایی دارایی نامشهود جلوگیری کند؛ چه به دلیل فقدان اندازه‌گیری اتکاپذیر، یا ناتوانی در تفکیک هزینه‌ها. نتیجه این است که هزینه‌های مربوط پس از آن هزینه دوره می‌شوند. پیامدهای چنین امری را یکی از شرکت‌کنندگان به‌درستی و به‌شرح زیر توصیف می‌کند:

رویکرد فعلی عدم شناسایی، در واقع صورت سودوزیان و

. . . در غیاب شناسایی صحیح، افشاگری یک گزینه ضعیف‌تر است؛ بنابراین تا جایی که ممکن است، تمرکز اصلی باید بر شناخت و اندازه‌گیری صحیح باشد و از افشاگری برای ارائه وضوح و بی‌شائبگی استفاده شود . . . بنابراین، زمانی که شناخت و افشاگری به‌طور مشترک استفاده می‌شوند، بیشترین قدرت را دارند.

### شناخت و اندازه‌گیری: وضعیت فعلی

در حال حاضر نحوه برخورد با رفتار داراییهای نامشهود بسته به این‌که داراییهای نامشهود تولید داخل واحد تجاری یا تحصیل شده یا بخشی از یک ترکیب تجاری باشد، متفاوت است. استدلال ادعا شده این است که داراییهای نامشهود تحصیل شده از خارج واحد تجاری به راحتی قابل اندازه‌گیری است؛ زیرا حاصل یک معامله در شرایط رقابتی و بازاری است. با این حال، شرکت‌کنندگان ما اعتبار این تمایز را با نظرهای خود زیر سوال بردند:

. . . ایده اصلی این است که وقتی چیزی را از خارج واحد تجاری به دست می‌آورید، همه چیز از جمله حق ثبت اختراع، نام تجاری و یا فهرست مشتریان، براساس معامله متعارف یعنی قیمت مورد رضایت و مذاکره بین خریدار و فروشنده، تعیین شده است

حال این سوال مطرح می‌شود که آیا این منطق برای داراییهای نامشهودی که در داخل واحد تجاری ایجاد می‌شوند نیز صدق می‌کند؟

من فکر می‌کنم اینطور است؛ زیرا اگر شما در مورد فرایند توسعه داراییهای نامشهود در داخل فکر کنید، اکثر شرکتها باید از منابع اقتصادی استفاده کنند که قبل از یا همزمان با این فرایند به دست آورده‌اند؛ مانند تجهیزات آزمایشگاهی مورد استفاده، حقوق پرداختی به دانشمندان پژوهشی خود، پیمانکار، و مشاورانی که به‌کار گرفته شده‌اند و مبالغی که برای بازاریابی شرکت به موسسات تبلیغاتی پرداخت می‌شود. در واقع از دیدگاه من، تفاوتی در این زمینه وجود ندارد.

دیدگاه اجماع شرکت‌کنندگان ما این بود که تولید داخل واحد تجاری در مقابل تحصیل از خارج واحد تجاری تمایز مفیدی از نظر شناخت نیست. یکی از شرکت‌کنندگان داراییهای

همچنین ترازنامه را از اعتبار ساقط می‌کند.

### شناخت و اندازه‌گیری: به سوی آینده

با توجه به تمایل آشکار به بهبود گزارشگری داراییهای نامشهود تولیدشده در داخل واحد تجاری، این سوال مطرح می‌شود که چرا گزارشگری پیش از این در آن جهت حرکت نکرده است؟ همانطور که یکی از مصاحبه‌شوندگان ما به اختصار بیان کرد:

تنها یک دلیل وجود دارد... دنیا برای آن آماده نیست. تشویق به افشای داوطلبانه ممکن است به عنوان یک استراتژی مفید برای بهبود گزارشگری و آماده کردن جهان به نظر برسد.<sup>۹</sup> AASB138.128(b) چنین انگیزه‌ای را فراهم می‌کند، اما شواهد اخیر نشان می‌دهد که هیچ افشای داوطلبانه قابل توجهی در پاسخ به این مشوق وجود نداشته است (داورن و همکاران ۲۰۲۱). در واقع، همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان خاطر نشان کرد، افشای معنادار تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که شناخت و اندازه‌گیری وجود داشته باشد:

چون داراییهای نامشهود در ترازنامه وجود ندارند، مردم فکر می‌کنند که چیزی برای افشا وجود ندارد؛ زیرا چیزی برای تجزیه و تحلیل دوباره وجود ندارد. بنابراین، ابتدا به شناخت نیاز است تا افشا را تحریک کند.

حرکت به سمت شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود - حرکت به سمت بالای هرم گزارشگری - ما را ملزم می‌کند دوباره، مانند گزارشگری پایداری، به عدم قطعیت اندازه‌گیری فکر کنیم، و این که چگونه می‌توانیم به طور مناسب معیارهای به اصطلاح اعداد «نرم» را گزارش کنیم - معیارهایی که درجه بالایی از عدم قطعیت اندازه‌گیری دارند.

### ترکیبها<sup>۱۰</sup>: به سوی رهنمود خط‌مشی

کاوشهای ما در افقهای گزارشگری مالی برای ریسک پایداری / اقلیمی و موارد نامشهود، عدم قطعیت اندازه‌گیری را به عنوان چالش اصلی شناسایی کرد. در حالی که تدوین‌کنندگان استاندارد مدتهاست که موضوع عدم قطعیت اندازه‌گیری را تشخیص داده‌اند، سوال این است که چگونه در زمینه عدم قطعیت اندازه‌گیری گزارشگری انجام دهیم. در این رابطه، یکی از مصاحبه‌شوندگان پیشنهاد به نسبت جدیدی داشت:

من همیشه رویای یک ترازنامه شفاف را داشتم؛ جایی که تصور کنید یک لایه پلاستیک شفاف وجود دارد. بنابراین، در لایه اول کاغذی که اعداد (سخت) عینی و قابل تایید خود را روی آن می‌نویسید دارید؛ مانند وجه نقد و حسابهای دریافتی، و سپس ممکن است یک لایه دیگر شفاف روی آن بگذارید که در آن اعداد (نرم‌تر) مبتنی بر قضاوت و برآورد را قرار دهید و بعد از آن ممکن است لایه سوم وجود داشته باشد که در آن اعداد حتی (نرم‌تری) ذهنی‌تر و تخمینی‌تری دوباره قرار گرفته باشد

در حالی که نیت در اینجا قابل تحسین است، اما این دیدگاه پیچیدگی بیشتری را در گزارشگری ایجاد می‌کند؛ چرا که به دنبال تعریف صریح و تمایز بین اعداد عینی و قابل تایید (سخت)، اعداد ذهنی و برآوردی (نرم) و حتی اعداد برآوردی و تخمینی‌تر (نرم‌تر) است. این موضوع همچنین مسئله تمایز بین «داده‌ها» و «اطلاعات» را نیز مبهم می‌سازد.

رویکرد جایگزینی که گاهی پیشنهاد می‌شود، این است که به جای افشای برآوردهای نقطه‌ای از ارزش، یک بازه اطمینان افشا شود. باز هم نیت این رویکرد قابل احترام است، اما اجرای آن با چالشهایی روبه‌رو است.

حتی اگر تعریف یک بازه اطمینان آسان‌تر و کمتر از یک برآورد نقطه‌ای بحث‌برانگیز باشد (که به احتمال زیاد این گونه نیست)، این کار تفسیر اطلاعات گزارش شده را برای استفاده‌کنندگان دشوارتر می‌سازد.

علاوه بر این نکته، تصمیم برای کمی‌سازی پدیده‌های پیچیده به زبان مالی، پیامدهای متعددی برای سازمانها، افراد و جوامع به همراه دارد.

از این رو، تخصیص چندین مقدار برای یک قلم خاص در صورتهای مالی، تصمیمی نیست که بتوان آن را به راحتی یا بدون ملاحظات کافی اتخاذ کرد.

با نگاهی کلی‌تر و همه‌جانبه به داده‌های گردآوری شده در این مطالعه، روشن می‌شود که «عدم قطعیت در اندازه‌گیری»، به الزام چالشی نیست که سیاست‌گذاران مجبور باشند با ارائه راهنماییها یا استانداردهای صریح در مورد روشهای اندازه‌گیری، آن را حل و فصل کنند. آنچه مورد نیاز است، شفافیت در مورد عواملی است که باعث ایجاد دامنه‌ها و منابع

اول این که، نیاز به کار بیشتری وجود دارد تا به شیوه‌ای متفاوت به ماهیت و میزان هزینه‌های مربوط به افشاکاری نگاه کنید. دوم، و در ارتباط با نکته اول، این مسئله همچنین نشان می‌دهد که برداشتها یا صورتهای مربوط به هزینه‌های مالکیتی (proprietary costs) نباید به تنهایی توجیه‌کننده سطوح پایین تر افشاکاری باشند.

هشدار دوم به معیارهای خلاصه مانند سود و کل داراییها مربوط می‌شود. این یک انتقاد دیرینه از بهای تمام‌شده تاریخی در حسابداری است که منجر به افزودن اقلامی به یکدیگر می‌شود که با هم قابل مقایسه نیستند؛ همانند افزودن «سیب و پرتقال» به یکدیگر (برای مثال به دلیل آثار تورمی). با این حال، این نوعی از تجمیع نیست که در اینجا به عنوان راهی برای ایجاد تعادل بین گزارشگری بهبود یافته و هزینه‌های اختصاصی شناخته شده پیشنهاد شده است. در عوض، ما به اصول چارچوب مفهومی می‌پردازیم، و این که نقش گزارشگری مالی ارائه اطلاعات مفید به استفاده‌کنندگان است تا تصمیمهای تخصیص منابع خود را به اطلاع آن‌ها برساند؛ نه ارزیابی خلاصه‌ای از شرکت به عنوان یک کل.

اگر رویکردی را اتخاذ کنیم که نسبت به عدم قطعیت اندازه‌گیری انعطاف پذیرتر باشد، برخی از مفاهیم غیر جزئی برای گزارشگری وجود دارد. به عنوان مثال، موضوعهای ما در زمینه پایداری و داراییهای نامشهود. با رویکردی که امکان گزارشگری معیارهای «ذهنی تر و بروردی» را فراهم می‌آورد، نتیجه منطقی می‌تواند این باشد که یک بدهی نامشهود برای ریسک تغییرهای اقلیمی شناسایی شود. از آنجایی که از قبل بنا را بر این گذاشته‌ایم که باید داراییهای نامشهود ایجاد شده درون واحد تجاری را هم در نظر بگیریم، بی تردید امکان وجود بدهیهای نامشهود اکنون مطرح است، چرا که نگرانی کمتری در مورد عدم قطعیت اندازه‌گیری داریم.

از آنجا که علم تغییرهای اقلیمی را اثبات کرده است، طبقه‌بندی آن به عنوان بدهی مشروط تنها به دلیل عدم قطعیت اندازه‌گیری می‌تواند باشد و نه به دلیل سوال در مورد وجود آن. از دیدگاه تهیه‌کننده، مسئله این است که چه عددی برای بدهی گزارش شود و چگونه عدم قطعیت اندازه‌گیری مرتبط با آن گزارش گردد. از دیدگاه حسابرس، سوال این

مختلف عدم قطعیت در اندازه‌گیری می‌شوند؛ شاید از طریق افشای اطلاعات مرتبط در یادداشتهای همراه صورتهای مالی. این کار می‌تواند به استفاده‌کنندگان کمک کند تا بفهمند به‌طور معمول چه میزان عدم قطعیتی با ارقام گزارش شده مختلف همراه است و چگونه باید آن را در مدل‌های تحلیلی خود لحاظ کنند.

استفاده‌کنندگان گزارشگری مفید برای تصمیم‌گیری و تفسیر گزارشهای مالی، نیازمند به‌کارگیری قضاوت حرفه‌ای بوده و همواره نیز باید چنین باشد. از آنجا که **عدم قطعیت در اندازه‌گیری مانعی برای شناخت و اندازه‌گیری محسوب نمی‌شود**، گزارشگری مالی مرتبط با پایداری و داراییهای نامشهود می‌تواند به سمت بالای هرم گزارشگری حرکت کند. دو نکته احتیاطی باقی می‌ماند. نخست، در هرگونه افشای اطلاعات توسط یک واحد تجاری (از جمله شناخت و اندازه‌گیری کامل)، ممکن است این موضوع مورد توجه قرار گیرد که چگونه می‌توان از هزینه‌های مالکیتی شناسایی شده جلوگیری کرد؛ این هزینه‌ها به افشای اطلاعاتی مربوط می‌شوند که ممکن است از نظر رقابتی حساس باشند.

گزارش اطلاعات به صورت تجمیعی می‌تواند راه‌حلی بالقوه در این زمینه باشد، اما تصمیم‌گیری در مورد این که چه سطحی از تجمیع گزارش اطلاعات معنی‌دار را امکان‌پذیر می‌سازد و در عین حال از هزینه‌های اختصاصی بی‌رویه اجتناب می‌کند، سوالی فراتر از محدوده پروژه فعلی است.

در ارتباط با این موضوع، نیاز است با دقت بیشتری به ماهیت، میزان و عوامل محرک هزینه‌های واقعی مالکیتی ناشی از افشا توجه شود. پژوهشهای تجربی که به بررسی عوامل و پیامدهای این نوع هزینه‌ها پرداخته باشند، به نسبت محدود هستند.

این حوزه از ادبیات که اغلب با عنوان «جامعه‌شناسی کمی‌سازی» شناخته می‌شود، به‌طور معمول به بررسی راه‌های گوناگونی می‌پردازد که از طریق آن‌ها کمی‌سازها می‌توانند بر درک ما از خود، و همچنین بر چگونگی توجه و سازمان‌دهی زندگی مان تاثیر بگذارند. برای بحث مفیدی در این زمینه، به اثر Espeland و Mennicken (۲۰۱۹) مراجعه کنید.

این موضوع به دو نکته اشاره دارد:

است که میزان اطمینان معقول در مورد گزارشگری چنین عدد "ذهنی و برآوردی" چیست.

از دیدگاه سرمایه‌گذار، سوال این است که چقدر طول می‌کشد تا سرمایه‌گذاران با این درجه بالاتر از عدم قطعیت اندازه‌گیری احساس راحتی داشته باشند (کنار بیایند، بپذیرند)، که این بستگی به نحوه گزارشگری تهیه‌کنندگان و نحوه تفسیر سرمایه‌گذاران از افشاگریهای مرتبط با عدم قطعیت اندازه‌گیری دارد.

در نتیجه، انتخاب بین دو رده بالای هرم گزارشگری به این بستگی دارد که کدام یک (واحد تجاری در مقابل استفاده کننده) بهترین موقعیت را برای ارزیابی مورد گزارش دارد. عدم قطعیت اندازه‌گیری نباید مانعی برای شناخت و اندازه‌گیری باشد؛ به شرطی که نهادها بتوانند به‌طور موثر درجه و منابع اصلی آن عدم قطعیت را منتقل کنند.

البته نقش اطمینان بخشی در اینجا بسیار مهم است. به‌طور گسترده‌تر، مسیر بالقوه روبه‌جلو مستلزم درک نحوه استفاده از تجمیع برای انتقال اطلاعات ضروری بدون توجه به هزینه‌های اختصاصی است. البته این امر برتری اطمینان را نیز تقویت می‌کند تا مبادا اقدامهای انبوه مورد استفاده بی‌معنی شود.



### پانوشتها:

1- carbon sequestration

۲- Soft-Data اصطلاحهای "اطلاعات نرم" و "اطلاعات سخت" به میزان عینیت و قابلیت تایید داده‌های مالی گزارش شده اشاره دارند: اطلاعات نرم:

داده‌ها یا برآوردهایی که شامل قضاوت، اختیار مدیریتی یا ذهنیت است. این ارقام تاییدپذیری کمتری دارند و ممکن است براساس فرضیه‌ها، مدلها یا برآوردهای مدیریتی ارائه شوند. مثالها:

- برآوردهای ارزش منصفانه
- زیانهای اعتباری مورد انتظار
- محاسبات کاهش ارزش سرقفلی
- اطلاعات سخت:

داده‌هایی که عینی، قابل تایید و مبتنی بر حقایق مشخص است. این ارقام کمتر تحت تاثیر قضاوت شخصی قرار می‌گیرند و می‌توان آن‌ها را با شواهد روشن حسابرسی کرد.

### مثالها:

- بهای تمام‌شده تاریخی
- مانده‌های نقدی

### • مقادیر واقعی تراکنشها

در این متن، استدلال این است که حتی اگر ارقام اندازه‌گیری "نرم" (یعنی برآوردهای ذهنی) باشند، باز هم شناسایی این ارقام در صورتهای مالی می‌تواند اطلاعات مفیدی برای سرمایه‌گذاران ارائه دهد—اما فقط در صورتی که اطلاعات گزارش شده شفاف و واضح باشد.

۳- street earnings به نسخه‌ای از سود یک شرکت اشاره دارد که بیشتر توسط تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران استفاده می‌شود و لزومی ندارد سود رسمی گزارش شده براساس استانداردهای حسابداری GAAP یا FRS باشد. این سود به‌طور معمول سود تعدیل‌شده است که برخی هزینه‌ها یا موارد غیرمکرر مانند هزینه‌های بازسازی، دعاوی حقوقی یا جبران خدمات مبتنی بر سهام را حذف می‌کند تا تصویری شفاف‌تر از عملکرد اصلی عملیاتی شرکت ارائه دهد. در این زمینه، "street earnings" بخشی از شاخصهای عملکردی غیر GAAP هستند که شرکتها در گزارشهای سالانه خود برجسته می‌کنند تا نتایج مالی را به روشی که ممکن است برای سرمایه‌گذاران مطلوب‌تر باشد، ارائه دهند؛ اگرچه این معیارها طبق استانداردهای حسابداری به‌طور رسمی تنظیم نمی‌شوند.

۴- "بیان داستان" به ارائه اطلاعات مالی به‌گونه‌ای اشاره دارد که به‌وضوح عملکرد، سلامت مالی و فعالیتهای تجاری یک شرکت را برای ذینفعان مانند سرمایه‌گذاران، ناظران و تحلیلگران توضیح دهد.

به‌جای ارائه صرف اعداد مالی خام، هدف این است که داده‌ها در بستری مناسب قرار گیرند تا کاربران بتوانند روندهای اساسی، ریسکها، فرصتها و روایت کلی مالی واحد اقتصادی را درک کنند. برای مثال:

• به‌جای فقط گزارش میزان درآمد، یک شرکت ممکن است توضیح دهد که چرا درآمد افزایش یافته است (برای مثال، به‌دلیل معرفی محصولات جدید یا گسترش بازار).

• به‌جای اعلام سود خالص بدون توضیح، ممکن است بر عوامل کلیدی تاثیرگذار مانند صرفه‌جویی در هزینه‌ها یا بهره‌وری عملیاتی تاکید کند.

این رویکرد باعث می‌شود که گزارشگری مالی شفاف‌تر، مفیدتر برای تصمیم‌گیری و بینش‌محورتر باشد.

5- informative reporting

۶- Ex-post reporting شامل گزارش آثار واقعی تغییرهای اقلیمی بر عملکرد مالی یک شرکت (مانند خسارتهای ناشی از بلایای طبیعی) است.

۷- بند ب ۳۸- استاندارد ۱۷ داراییهای نامشهود ایران

۸- بند ۵۱ استاندارد ۱۷ داراییهای نامشهود ایران

۹- بند ب ۱۰۳- استاندارد ۱۷ داراییهای نامشهود ایران

10- Synthesis

### منبع:

• CPA Australia, 2022. The Horizons of Financial Reporting – Part 1

<https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/reporting-research-initiatives/horizons-of-financial-reporting-part-1.pdf>